

مجله پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب

سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

واژگان نوظهور در فرهنگ لغت‌های معاصر زبان عربی (پژوهش در دو فرهنگ لغت «المکنز الکبیر» و «المعجم الوسیط»)

* خلیل پروینی^۱پرنیان هوشنگی ماهر^۲

چکیده

فرهنگ لغت هویت یک ملت و ابزاری برای پیشرفت زبان و بازگوکننده‌ی نیازهای گویش‌وران به شمار می‌آید. این نیازها پیوسته در حال نوگرایی است و امروزه جهان عرب شاهد رویدادهای مهمی است. زبان عربی همراه با این رویدادها در حال تغییر بوده و به هر شکلی قادر به بازگویی این نیازهاست. اگر نوگرایی در عرصه‌های مختلف علوم نبود، زبان متروک و نابود می‌شد. این مهم پیش روی ماست تا به این پیشرفت و عوامل تأثیرگذار آن بپردازیم و اجازه ندهیم که زبان عربی را به جمود و خشکی متهم کنند. از آنجا که فرهنگ لغت یکی از مهم‌ترین ابزارهای آموزش زبان دوم به شمار می‌آید، در این مقاله تلاش شده است تا با رویکردی آماری - توصیفی، مقایسه‌ای بین کلمات نوظهور در دو فرهنگ لغت «المکنز الکبیر» (احمد مختار عمر) و «المعجم الوسیط» (فرهنگستان زبان عربی قاهره) که جایگاه خاصی در جریان‌های علمی و فرهنگی ایران دارد، صورت گیرد. نتایج این تحقیق نشان داد که تعداد کلمات نوظهور در فرهنگ لغت «المکنز الکبیر» به ۱۲۳۵ کلمه، به نسبت ۳/۵۷٪ و در «المعجم الوسیط»، ۴۹۵ کلمه، به نسبت ۱/۶۴٪ می‌رسد؛ و سبب فزونی کلمات نوظهور در فرهنگ لغت «المکنز الکبیر» آن است که این فرهنگ لغت هر کلمه‌ای را که پس از قرن چهارم هجری کاربرد داشته، در زمره کلمات نوظهور قرار داده است.

واژگان کلیدی: فرهنگ لغت‌های عربی معاصر، واژگان نوظهور، المکنز الکبیر، المعجم الوسیط.

^۱ استاد رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس، parvini@modares.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش زبان عربی دانشگاه تربیت مدرس، P_maher@modares.ac.ir

تاریخ ارسال ۱۴۰۰/۰۵/۰۳ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

مقدمه

هنگامی که بخواهیم به زبانی غیر از زبان مادری سخن بگوییم، کارکرد فرهنگ لغت در جوامع زبانی و نقش مهم آن به عنوان اثر مرجع به روشنی آشکار می‌شود. به همین دلیل فرهنگ لغت‌های متعددی با موضوعاتی متنوع چاپ می‌شود و در دسترس ما قرار می‌گیرد تا از آن‌ها معانی مختلفی را برحسب نیاز جست‌وجو کنیم. زبان عربی، زبان تمدن و میراث اسلام است و گنجینه گرانبهایی از الفاظ و کلمات را داراست و شامل اصول زبانی کمیابی است که نشانگر رشد و نوآوری آن زبان است. پس در حقیقت زبان عربی در تمدن اسلامی همواره در معرض تغییر و رشد است. ما امروزه با ورود به قرن جدید پیش روی خود انبوهی از تعابیر و اصطلاحات نوظهور را داریم که زاینده رشد تمدن و اختراعات جدید است. امروزه به نوشتن این کلمات و تعابیر و اصطلاحات علمی نوظهور که در تمام عرصه زندگی چه در محاوره و چه در عرصه‌های خصوصی نقش بسزایی را ایفا می‌کنند، نیاز مبرمی داریم. از آغاز قرن بیستم اختلاف در تعابیر و اصطلاحات اقتباس‌شده، پدید آمد؛ مثل بازگردانی تعابیر قدیمی به سوی امروزی کردن تعابیر جدید از راه اشتقاق (واژه‌سازی) و تعریب (عربی کردن) یا نقل قول مستقیم اصطلاح. این چنین فرهنگ لغت‌های تخصصی ظهور کردند و زبان‌شناسان نیز به این مسائل پرداخته‌اند. ظهور این فرهنگ لغت‌ها کمک شایانی به یادگیری زبان و ساخت واژه‌های جدید می‌کند. با این دیدگاه ما دو معجم «المکنز الکبیر» و «المعجم الوسیط» که از پیشگامان فرهنگ لغت‌های معاصر هستند را بررسی می‌کنیم.

۱,۱. مسئله پژوهش

این پژوهش با پرداختن به مفاهیم نظری ابتدایی و تطبیق، سعی در مقایسه کلمات نوظهور و تمرکز بر معانی قدیم و جدید آن کلمات دارد. از آنجا که گردآوری و نوشتن تمام کلمات نوظهور در این دو فرهنگ لغت، کتابی با بیش از ۱۰۰ صفحه را می‌طلبد و این مقاله گنجایش آوردن تمام این واژگان را ندارد، به آوردن نمونه‌هایی از کلماتی که جدیدتر هستند و کاربرد بیشتری دارند، بسنده کرده‌ایم.

۱,۲. روش پژوهش

این پژوهش با روش آماری - توصیفی سعی در مقایسه کلمات نوظهور در این دو فرهنگ لغت دارد. ابتدا کلمات نوظهور این دو فرهنگ لغت را جمع‌آوری کرده و سپس به آمارگیری این واژگان نسبت به کل کلمات فرهنگ لغت و تحلیل نتایجی که سیر پیشرفت و قرار گرفتن این کلمات در عصر معاصر را نشان می‌دهد، می‌پردازیم.

۱,۳. سؤالات پژوهش

این پژوهش به دنبال پاسخ به این دو سؤال است:

تعداد کلمات نوظهور در این دو فرهنگ لغت چه تعداد است و چه درصدی را نسبت کل کلمات فرهنگ لغت به خود اختصاص می‌دهد؟

در کدامیک از این دو فرهنگ لغت کلمات نوظهور بیشتری به کار رفته و علت اصلی آن چیست؟

۴,۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیادی در عرصه‌های مختلف بر روی فرهنگ لغت‌های «المعجم الوسيط» و «المکنز الكبير» صورت گرفته است؛ اما در راستای کلمات نوظهور تعدادی پژوهش صورت گرفته که ضمن اشاره به مهم‌ترین آن‌ها، وجه تمایز آن پژوهش‌ها را با این پژوهش پیش رو شرح می‌دهیم.

پژوهش الجبوری (۲۰۱۹ م) با عنوان «الألفاظ المحدثه في المعجم العربي الأساسي»؛ این پژوهش از کاربرد فرهنگ لغت اساسی و روش آن فرهنگ لغت در گردآوری کلمات سخن گفته و به مقایسه فرهنگ لغت اساسی با فرهنگ لغت الكبير پرداخته است و نمونه‌هایی از واژگان و تعابیر نوظهور که در این فرهنگ لغت وجود دارد را ذکر کرده است.

پژوهش عبدالله (۲۰۱۲ م) با عنوان «تطور دلالة المفردات المحدثه في النص اللغوي»؛ این پژوهش بر روی اسباب رشد کلمات، فزونی و روش نگارش آن‌ها متمرکز شده است. پژوهشگر در مورد مجموعه‌ای از کلماتی که در زمره کلمات نوظهور هستند، سخن گفته و ریشه زبانی و وابستگی آن کلمات به اصل عربی و عوامل مؤثر در نوگرایی کلمات را مشخص کرده است. سپس به وام‌گیری واژگان از دیگر زبان‌هایی که در عصر حاضر ظهور پیدا کرده‌اند، پرداخته است.

پایان‌نامه زهره عطف (۲۰۱۳ م) با عنوان «الألفاظ المحدثه في العربية المعاصرة دراسة دلالية في مختارات شعرية لـ عيسى لحليح»؛ این پژوهش با تکیه بر روش تحلیلی، کلمات نوظهور را بررسی کرده و معنای قدیم و جدید کلمات را در دیوان (وسم علی زند قرشی) عیسی لحلیح مشخص کرده و به این نتیجه رسیده که کلمات قدیمی که عیسی لحلیح استفاده کرده است، معنای جدید و معاصر هم دارد که با کلمات امروزه همخوانی دارد و این از دقت انتخاب کلمات برای معنای موردنظر توسط عیسی لحلیح است.

پژوهش حمزه (۲۰۱۵ م) با عنوان «الحداثة في مقدمات المعاجم العربية الحديثة»؛ پژوهشگر نگاه نوگرایی به فرهنگ لغت‌های معاصر و چگونگی ظهور این امر در مقدمات فرهنگ لغت‌ها داشته است. ابتدا پژوهشگر مقدمات فرهنگ لغت‌ها را از منظر نوگرایی بررسی کرده سپس در مرحله دوم به تعداد عناصر نوگرایی در مقدمات فرهنگ لغت‌ها پرداخته است.

همان‌طور که گفته شد پژوهشگران زیادی از زوایای مختلف به بررسی «المعجم الوسيط» پرداخته‌اند؛ اما پژوهشی که واژگان نوظهور را در دو فرهنگ لغت «المعجم الوسيط» و «المکنز الكبير» بررسی کرده باشد، مشاهده نشد. بر این اساس این پژوهش بر روی دو فرهنگ لغت «المعجم الوسيط» و «المکنز الكبير» از منظر کلمات نوظهور آن دو فرهنگ لغت متمرکز شده است.

۲. مفاهیم نظری

۱،۲. کلمات نوظهور

از نظر بندری کلمه‌ی «مولد» یعنی جدید و نوظهور؛ وقتی گفته می‌شود آن شیء جدید است یعنی متضاد قدیم است، جدید بودن چیزی همان ظهور و شروع آن برای بار اول است. از نظر وی جدید بودن، آن چیزی است که زمانش نزدیک باشد و قدیم را شامل نشود. فرهنگ لغت نویسان در مورد ریشه‌ی (ح د ث) به تحقیق و بررسی پرداختند و در تحقیقات خود معانی مختلفی را برای آن طبقه‌بندی کردند؛ حتی آن لفظ را برای تمام معانی واژگان جدید که از واژگان قدیم اقتباس شده بود نیز متصور می‌شدند (البندری، ۲۰۱۶: ۳۴ و ۳۳)؛ و اکثر زبان‌شناسان و در رأس آن‌ها خلیل بن احمد فراهیدی بر این باور بودند که تمام واژگان رباعی و خماسی نوظهور هستند و آن‌ها اصل یک واژه را ثلاثی می‌دانستند، عقیده‌ی آن‌ها بر این بود که این کلمات خالی از حروف کناری و لیبی (فر من لب) هستند در نتیجه نوظهور به شمار می‌آیند و در کلام عرب وجود ندارند (عبدالطوب، ۱۹۹۹: ۳۶۳). شکی نیست که شاعران و ادیبان از بزرگ‌ترین جامعه آماری هستند و تعابیر و واژگانی که استفاده کرده‌اند جلوه نوگرایی به خود گرفته است؛ بنابراین، سخن از نوگرایی واژگان در اواخر قرن ۲۰ و اوایل قرن ۲۱ به میان آمد و کلماتی را بازگو کرد که مخاطب و شنونده قبل از این نشنیده بود؛ مثل: «المشبوته، استتبع، المؤدلجه، التوالديه، مومض، یمایز، الادلایه، انتسخه، استتمه، استمرت، استعدی، استلاب...». این‌ها نمونه‌هایی از کلمات نوظهور است که امروزه در زبان عربی به کار می‌رود. با پیشرفت زندگی اجتماعی، زبان عربی نیز پیشرفت کرد و تغییر یافت و این پیشرفت در حقیقت به خاطر پیوستگی و اختلاط زبان و فرهنگ عربی با دیگر فرهنگ‌ها بود (عبدالله، ۲۰۱۲: ۶).

نوظهور کردن کلمات از مهم‌ترین جلوه‌های نوگرایی در فرهنگ لغت‌های عربی است. هنگامی که نوگرایی در فرهنگ لغت بیان می‌شود، ذهن ناخودآگاه به سوی این مسئله می‌رود؛ و این نوگرایی دو صورت دارد: شکل اول؛ حذف آن دسته از کلماتی است که به آن‌ها حواشی، غریب‌الاستعمال، زائد، متروک و مانند این‌ها گفته می‌شود، این واژگان، واژگانی هستند که فرهنگ لغت نویسان آن‌ها را در زمره واژگانی قرار دادند که کاربرد آن‌ها در عصر کنونی منقضی شده است. شکل دوم از نوگرایی واژگان؛ ثبت و وارد کردن واژگان جدیدی است که در فرهنگ لغت‌های دیگر نباشد یا در چاپ‌های قبلی همان فرهنگ لغت هم وجود نداشته باشد؛ خصوصاً آن دسته از کلماتی که به تعابیر علمی و هنری اشاره دارد (حسن، ۲۰۱۵: ۱۵۷ و ۱۵۴).

۲،۲. فرهنگ لغت

کلمه معجم در کتاب‌های قدیمی عبارت است از مصدری که از لفظ «عجم» و ریشه {ع ج م} گرفته شده و به معنای پیچیدگی و ابهام است. همین کلمه معنای جدید دیگری مثل نفی و سلب کردن نیز دارد. اگر همزه متعدی کردن فعل را بر فعل «عجم» وارد کنیم، «أعجم» می‌شود. صیغه باب «أفعل» گاهی اوقات بر معنای سلبی دلالت دارد؛ هر چند که اصل آن در معنای اثبات باشد. پس هنگامی که گفته می‌شود (أعجمتُ الحرف) یعنی سخن را واضح و آشکار ساختم (لشهب، ۲۰۱۱: ۴۰ و ۳۹).

مفهوم اصطلاحی فرهنگ لغت چیزی است که برخی از عالمان دین آن را در آثارشان آوردند؛ اما آنچه زبان‌شناسان در ابتدا اصطلاح آن را به کار بردند در درجه اول به طبیعت موضوعی اشاره دارد؛ مثل مکتوبات زبانی. فرهنگ لغت «العین» هم روی کارآمد تا روش و اسلوب فرهنگ لغت لفظی را نشان دهد؛ و به دنبال آن گروهی از دانشمندان نام‌های دیگری را بر روی فرهنگ لغت‌ها نهادند؛ مثل «قاموس» که مترادف همان کلمه معجم است. فرهنگ لغت در آن زمان کتابی بود که اصل کلمه را بر مبنای حروف هجایی آن مرتب می‌کرد. سپس پیشرفت کرد و مراحل مختلفی را پشت سر گذاشت تا اینکه به زمان الکترونیکی در عصر کنونی رسید (الصراف، ۲۰۱۲: ۱۶۶). تعاریف متعددی درباره فرهنگ لغت وجود دارد که از مهم‌ترین آن‌ها:

«کتابی که کلمات یک زبان و معانی و کاربرد آن را در ترکیب‌های مختلف و کیفیت ادا و نوشتن آن کلمات را شامل می‌شود و غالباً ترتیب آن‌ها ترتیب هجائی است» (عمر، ۲۰۰۳: ۱۶۲).

«کتاب مرجعی است که شامل کلمات و اصطلاحات یک زبان می‌شود و بر مبنای ترتیب خاصی چیده شده است و معنای هر کلمه یا مترادف آن و یا همانندهای آن را در زبان‌های دیگر و یا اشتقاق و کاربرد و معانی متعدد و تاریخ و لفظ آن کلمه را گفته است» (الخولی، ۱۹۸۲: ۷۴).

«فرهنگ لغت متنی زبانی است که برای هدف و کاربردی خاص استفاده می‌شود و این کاربردها به دنبال هدف‌های مختلف هستند و از مهم‌ترین این کاربردها مشخص کردن معنی کلمه و ادای آن (هجاء) و تنظیم آن است» (مدکور، ۲۰۱۸: ۳۲۸).

۱،۲،۲. فرهنگ لغت «المکنز الکبیر»

۱،۱،۲،۲. نگاهی گذرا به فرهنگ لغت «المکنز الکبیر»

فرهنگ لغت «المکنز الکبیر» از مؤلفات احمد مختار عمر است که توسط انتشارات «سطوو» به چاپ رسیده است. این فرهنگ لغت قریب به ۳۴۵۳۰ مدخل (کلمه) و نزدیک به ۱۸۵۱ موضوع مختلف، در ۱۲۳۲ صفحه است. تعداد صفحه-هایی که ماده‌های اصلی معجم را تشکیل می‌دهد، ۹۱۲ صفحه است. مقدمه این کتاب تا صفحه ۲۵ و فهرست موضوعات آن از صفحه ۹۴۱ تا ۱۲۳۲ است. این فرهنگ لغت در مرتبه اول فرهنگ لغتی موضوعی است که شامل موضوعات و معانی در عرصه‌های مختلف می‌شود و در مرتبه دوم فرهنگ لغتی برای مترادفات و متضادات و در مرتبه سوم فرهنگ لغتی است که دارای کلمات و مفردات متنوع است.

۲،۱،۲،۲. انگیزه‌های تألیف فرهنگ لغت «المکنز الکبیر»

این فرهنگ لغت جزو ایده‌های خلاقانه است؛ زیرا روش کار و طریقه نوشتن این فرهنگ لغت و پیروی آن از فرهنگ لغت‌نویسی جهانی با مسیر اصلی خود همخوانی دارد. آنچه پیش روی پژوهشگر قرار دارد، یک فرهنگ لغت عادی نیست؛ بلکه یک تحولی در فرهنگ لغت‌نویسی است. این فرهنگ لغت مانند فرهنگ لغت‌های تکراری و تقلیدی گذشته نیست که کلمات را از معاجم دیگری گرفته باشد. در واقع اولین اثر جدید پیش روی خواننده است. بعد از جست‌وجو و تفحص در فرهنگ لغت‌های موجود این نتیجه حاصل شد که آن‌ها نیازهای خاص پژوهشگران را برطرف

نمی‌کنند؛ از طرف دیگر، محتوای آن‌ها بین کلمات قدیم و جدید مختلط است و کلمات کم کاربرد، بدون ترتیب معین و دقت در معانی و کاربرد آن‌ها در فرهنگ لغت‌ها وجود دارد. به همین خاطر، این فرهنگ لغت با روشی جدید نگاشته شده تا از عیب‌های ذکرشده دوری کرده باشد و راه را برای تعدادی از فرهنگ لغت‌های پس از خود هموار کند (مختار عمر، ۱۴۲۴ ه.ق: ۳۴).

۳,۱,۲,۲. روش تألیف فرهنگ «المکنز الکبیر»

اولین عاملی که باعث منحصربه‌فرد شدن این فرهنگ لغت می‌شود، مرحله جمع‌آوری کلمات آن است و این روش مانند نگارش فرهنگ لغت‌های دیگر نیست. ترتیب عرصه‌های معناشناختی این فرهنگ لغت الفبائی است و بر این اساس تمام کلمات در جایگاه الفبائی خود است و هر کلمه در جایگاه خودش شرح داده شده؛ ولی این فرهنگ لغت به همین قدر اکتفا نکرده و مترادفات و متضادات و معلومات دیگری را نیز ضمیمه کرده است که عبارتند از:

۱. بیان نوع کلمه (فعل، اسم، صفت، حرف) همراه با جدا کردن نوع کلمه در مجموعه خاص خود.
۲. مشخص کردن عرصه معناشناختی عمومی که کلمات مترادف و متضاد مربوطه در آن قرار گرفته است.
۳. بیان ریشه تمام کلمات اصلی؛ که این کار را بیشتر فرهنگ لغت‌های مترادف به سبب کم کردن حجم یا به خاطر سختی انجام نداده‌اند.
۴. قرار دادن شرحی مختصر یا مثالی توضیحی یا هر دو، روبه‌روی هر کلمه و یا قرار دادن آن کلمه در عرصه متناسب با خودش.

۴,۱,۲,۲. راهنمای طبقه‌بندی فرهنگ «المکنز الکبیر»

۱. تشخیص و جداسازی کلمات مثبتی که امکان کاربرد در عصر کنونی را دارد و کلمات سلبی که به خاطر قدیمی بودن از زبان زنده امروزی پاک شدند و فقط از طریق فرهنگ لغت‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و این نوع آخر از کلمات همان است که در انگلیسی به آن obsolete می‌گویند و به معنای مرده و متروک است. مجموع این کلمات در معجم به ۳۰۳ کلمه و به نسبت ۱٪ است.

۲. تشخیص و جداسازی کلمات قرآنی از غیر قرآنی به همراه مشخص کردن کلمات قرآنی قدیمی که کاربرد شایعی در عصر کنونی ندارند؛ مثل کلمات «أَبَقَ» به معنی: گریخت، «تَتَقَّ» به معنی: بالا برد، «ضَبِزَى» به معنی: ستمگرانه، «واصَب» به معنی: دائم لازم... و کلمات قرآنی که کاربرد شایعی در عصر کنونی دارند که نسبت کلمات قرآنی قدیمی ۳٪ و کلمات قرآنی کنونی ۲۲٪ است.

۳. تشخیص و جداسازی کاربرد عمومی و کاربرد خصوصی واژگان مانند مقید بودن واژه به مکان یا جایگاهی خاص یا گروهی معین و مشخص (لهجه یا زبان محلی، زبان رسمی، زبان فرهنگی، اصطلاحات و تعابیر علمی).

۴. تشخیص و جداسازی بین کلمات و معناهای موجود در فرهنگ لغت‌های قدیمی، یعنی مولد (تولید شده) یا نوظهور که به تازگی یا در اواخر عصر «استشهاد» (قرن چهارم هجری) وارد زبان شدند که به‌طور کلی ظاهری تمدنی دارند و از

آن‌ها به‌عنوان تولید شده یا نوظهور یاد می‌شود؛ مثل کلمات «تلاشی»، «حَبْد»، «سیاره»، «مسرح» و... این‌ها از نوع کلماتی هستند که در عصر کنونی برتری دارند.

جدول شماره (۱): طبقه‌بندی کلمات فرهنگ لغت «المکنز الکبیر»

نسبت	تعداد کلمات	طبقه‌بندی
٪۲۲	(۷۶۰۰)	ایجابی قرآنی معاصر
٪۳۵،۹۱۷	(۱۲۴۱۰)	ایجابی معاصر
٪۱۷،۳۴۳	(۵۹۸۸)	ایجابی قدیمی
٪۱۶،۱۳۹	(۵۵۷۳)	زبان فرهنگیان
٪۳،۵۷۶	(۱۲۳۵)	تولید شده یا نوظهور
٪۲،۷۶	(۹۶۰)	ایجابی قرآنی تراثی
٪۰،۹۵۵	(۳۳۰)	لهجه یا زبان محلی
٪۰،۸۷۷	(۳۰۳)	سلبی
٪۰،۱۸۸	(۶۵)	اصطلاح علمی
٪۰،۱۳	(۴۵)	عامیانه
٪۰،۰۴۱	(۱۴)	ممنوعه
٪۰،۰۱۴	(۵)	رسمی

(المکنز الکبیر، ۲۰۰۰: ۱۸).

فهرست‌های این فرهنگ لغت خود عملی جداگانه به حساب می‌آید و به کمک آمارگیری سه نوع فهرست در این کتاب موجود است:

الف. فهرست عرصه کلمات معنایی (صص ۹۸۲-۹۴۱).

ب. فهرست کلمات (صص ۱۱۵۸-۹۸۳).

ج. فهرست ریشه و اشتقاق (ساختار) کلمات (صص ۱۲۳۰-۱۱۵۹).

این مواردی که بیان شد از مهم‌ترین توصیفات فرهنگ لغت «المکنز الکبیر» از آثار احمد مختار عمر بود.

۲،۲،۲. فرهنگ لغت «المعجم الوسیط»

۱،۲،۲،۲. نگاهی گذرا به فرهنگ لغت «المعجم الوسیط»

تعدادی از استادان چیره‌دست و دانشمند فرهنگستان زبان عربی مسؤلیت تحریر این فرهنگ لغت را بر عهده گرفتند. چاپ اول این کتاب از طرف فرهنگستان زبان عربی به سال ۱۹۶۰ م بازمی‌گردد. فرهنگ لغت «المعجم الوسیط» شامل ۳۰،۰۰۰ کلمه و ۶۰۰ تصویر در دو جلد بزرگ است که هر کدام ۱۲۰۰ صفحه دارد و در سه ستون بر اساس ترتیب الفبائی نوشته شده است. این فرهنگ لغت از شاخص‌ترین فرهنگ لغت‌های زبان عربی است. کلمات اصیل و قدیمی و جدید و معاصر را گرد آورده و کلمات قرن بیستم را کنار کلمات عصر جاهلی و صدر اسلام قرار داده است. همچنین به

ذکر کلمات آشنا و اصطلاحات علمی و فنی و کلمات زندگی روزمره توجه دارد و اهتمام خاصی به چگونگی توضیح کلمه و ترتیب صیغه‌های فعلی و اسمی در هر کلمه دارد. (ریاض، ۲۰۱۸: ۴۹۳۴).

۲،۲،۲. انگیزه‌های تألیف فرهنگ لغت «المعجم الوسیط»

فرهنگ لغت «المعجم الوسیط» به رشته تحریر درآمد تا کتابی باشد در رد انتقاداتی که به فرهنگ لغت‌های پیشین وارد شده بود. غرض از نوشتن و هدف این فرهنگ لغت، در مقدمه چاپ اول این کتاب در سخن ابراهیم مدکور آمده است که: فرهنگستان زبان عربی همت خود را بر جمع‌آوری کلمات قدیم و جدید گمارده و اصطلاحات علمی پرکاربرد را توسعه داده و کلمات پرکاربرد روزمره زندگی را جمع‌آوری کرده و در نوگرایی زبانی، گامی مهم برداشته است. همچنین دروازه‌های نوشتن فرهنگ لغت را پیش روی معاصرین قرار داده است. بسیاری از کلمات تولید شده (مولد) و عربی شده جدید (معرّب) را با تعلیقات و حواشی بسیار ذکر کرده است (برباق، ۲۰۱۷: ۱۶۴). باوجودی که این فرهنگ لغت یک فرهنگ لغت زبانی است، بسیاری از اصطلاحات و تعابیر علمی را ذکر کرده است و به سبب آنکه این فرهنگ لغت یک ابداع جدید در عصر کنونی است از ارزش بسیار بالایی برخوردار است و بر بسیاری از فرهنگ لغت‌های جدید که تاکنون نوشته شده، برتری دارد (یعقوب، ۱۹۸۵: ۱۵۳).

۳،۲،۲. روش تألیف فرهنگ لغت «المعجم الوسیط»

فرهنگستان زبان عربی برای نگارش این فرهنگ لغت از ترتیب الفبائی ریشه‌ای پیروی کرده و برحسب تعداد حروف هجائی فرهنگ لغت را به ۲۸ باب تقسیم کرده است. از باب الف شروع می‌شود و با باب یاء پایان می‌یابد. این روش نگارش، گامی نو در بین روش‌هایی بود که تا آن روز فرهنگستان از آن پیروی می‌کرد و برای جمع‌آوری کلمات هم به عصر قدیم و هم به عصر کنونی اهتمام داشت. این سخن در چاپ اول این کتاب در سخن ابراهیم مدکور در مورد فرهنگ لغت «المعجم الوسیط» آمده است: «فرهنگ لغت «المعجم الوسیط» فرهنگی نوگرا و جدید است که کلمات قرن بیستم را در کنار کلمات عصر جاهلی و صدر اسلام قرار داده و محدوده‌های زمانی و مکانی که بین عصرهای مختلف زبانی بود را شکسته است» (مصطفی و آخرون، ۱۹۸۹: ۱۰). فرهنگ «المعجم الوسیط» بر اساس اصل و ریشه هر کلمه مرتب شده است و این نظام نگارشی بسیار ساده‌تر و آسان‌تر از نظام‌های آوایی و هجائی و قافیه‌دار است. این روش نسبت به روش الفبائی_گوشی برتری دارد. این روش باوجوداینکه دشواری در جست‌وجوی واژه و شرح آن به غیرعربی زبان دارد اما اصول نگهداری و پابندی به خانواده زبان عربی و آسان‌سازی درک رابطه‌های اشتقاقی و معناسازی بین خانواده زبانی را داراست. در پی آن، آسان‌سازی حفظ و ذکر آن حاصل می‌شود و از جانب دیگر این راه منجر به صرفه‌جویی در اندازه و حجم فرهنگ لغات می‌گردد (ابن الرسول و نجف‌آبادی، ۲۰۱۳: ۸۰).

جدول شماره (۲): آمار ریشه‌های زبانی فرهنگ «المعجم الوسیط»

ت	ریشه	تعداد	شماره صفحه
۱	ریشه الف	۳۶۸	۱-۳۵
۲	ریشه ب	۴۲۰	۳۵-۸۰
۳	ریشه ت	۱۵۵	۸۰-۹۲
۴	ریشه ث	۹۷	۹۲-۱۰۳
۵	ریشه ج	۲۷۰	۱۰۳-۱۵۰
۶	ریشه ح	۳۱۶	۱۵۰-۲۱۳
۷	ریشه خ	۲۸۰	۲۱۳-۲۶۷
۸	ریشه د	۳۲۱	۲۶۷-۳۰۷
۹	ریشه ذ	۵۸	۳۰۷-۳۱۹
۱۰	ریشه ر	۳۵۲	۳۱۹-۳۸۷
۱۱	ریشه ز	۲۰۱	۳۸۷-۴۱۰
۱۲	ریشه س	۳۳۰	۴۱۰-۴۶۹
۱۳	ریشه ش	۲۵۶	۴۶۹-۵۰۴
۱۴	ریشه ص	۱۵۶	۵۰۴-۵۳۲
۱۵	ریشه ض	۹۵	۵۳۲-۵۴۸
۱۶	ریشه ط	۱۳۰	۵۴۹-۵۷۵
۱۷	ریشه ظ	۲۴	۵۷۵-۵۷۹
۱۸	ریشه ع	۳۰۸	۵۷۹-۶۴۲
۱۹	ریشه غ	۱۶۶	۶۴۲-۶۷۰
۲۰	ریشه ف	۲۵۸	۶۷۰-۷۰۹
۲۱	ریشه ق	۳۰۹	۷۰۹-۷۷۱
۲۲	ریشه ک	۲۸۳	۷۷۱-۸۰۹
۲۳	ریشه ل	۲۵۳	۸۰۹-۸۵۱
۲۴	ریشه م	۳۰۰	۸۵۱-۸۹۵
۲۵	ریشه ن	۳۸۱	۸۹۵-۹۶۸
۲۶	ریشه هـ	۳۱۵	۹۶۸-۱۰۰۵
۲۷	ریشه و	۲۹۶	۱۰۰۵-۱۰۶۱
۲۸	ریشه ی	۴۲	۱۰۶۲-۱۰۶۷

۳. تحلیل داده

۱,۳. نمونه‌هایی از فرهنگ لغت «المکنز الكبير»

در جدول زیر کلماتی را که در این معجم حقیقتاً نوظهور هستند، آورده می‌شود:

جدول شماره (۳): نمونه کلماتی از فرهنگ «المکنز الكبير» که حقیقتاً نوظهور است.

کلمه	ریشه	شرح	عرصه معناشناختی
الوَلَاعَةُ	ولع	فندک	وسایل آتش‌زا
الشَّقَاظَةُ	شفط	نی برای نوشیدن	وسایل مکیدن
المفْرِعَات	فرقع	مواد منفجره. دینامیت	وسایل ویرانی
البرِّيمَةُ	برم	دریل. مته. سوراخ کن	وسایل حفاری
الأَنشُودَةُ	نشد	آواز. سرود. ترانه	آواز و موسیقی
المنشور	نشر	منشتر شده. پخش شده	آگهی
الإِیصال	وصل	رسید. رسید پول	رسید
السِّقَالَةُ	سقل	داربست برای رسیدن به بلندی که توسط مهندس نصب می‌شود	نردبان و وسایل بالا رفتن
العمادَةُ	عمد	جایگاه رئیس در دانشگاه	سلطنت
السیجار	سیجار	سیگار	سیگار
المِخْفَةُ	حفف	تخت روان. برانکار	محل استراحت
المِهْرَزُ	هزز	ننو بچه. تخت کودک	محل استراحت
الإِستاد	إستاد	استادیوم	محل بازی
القاعدة	قعد	مرکز عملیات جنگی. ستاد نیروهای ارتش	محل های نظامی
الحفَّار	حفر	ماشین حفاری	وسایل شست و شو
الکِرَاكَةُ	کرک	فرچه	وسایل شست و شو
المِدْفَعُ	دفع	توپ جنگی	وسایل پرتابی
البندقیَّة	بندق	تفنگ	وسایل پرتابی
الطنبور	طنبور	سیلندر. غلتک. نورد	وسایل آب دهی
الفرامة	فرم	چرخ گوشت	وسایل آسیاب کردن

جدول شماره (۴) نمونه کلماتی از فرهنگ «المکنز الکبیر» که در اصل نوظهور نیستند.

کلمه	ریشه	شرح	عرصه معنا شناختی
بناءً علی	بنی	در نتیجه	نتیجه
من ثمَّ	ثم	به همین علت	سبب
بحقِّ	حقیق	مطمئناً. بدون شک	کلمات اطمینان
حقیقه	حقیق	درواقع	کلمات اطمینان
نکد علی	نکد	سخت گرفتن	رنجش
الترتیب	رتب	ترتیب. نظم	چیدن
الخطاب	خطب	خطبه. سخنرانی	آگهی
انصراف إلى	صرف	رفتن به سوی	روی آوردن
المهله	مهل	زمان مشخص برای پاسخگویی	مهلت دادن
مُنتَج	نتج	محصولات. تولیدات	تولیدات
النقطه	نقط	نقطه. قطره	قطره آب
لسع	لسع	گرم‌زدگی	نور خورشید
تعزیز	عزز	نیروهای امدادی	امداد و نجات
وكد	ولد	تولید	تولیدات
استحضر	حضر	آماده سازی	تولیدات
حبذ	حبذ	تشویق. برتری دادن	گرامی داشتن
اکشف	کشف	کشف کاری برای بار اول	ایده
نتیجه لذلک	نتج	نتیجه آن شد که	نتیجه
قطعاً	قطع	قطعاً. بدون شک	کلمات اطمینان
مما سبق	سبق	آنچه گفته شد	نتیجه

همان‌طور که در جدول شماره (۴) بیان شد، نمونه‌ای از کلمات فرهنگ «المکنز الکبیر» را مشاهده می‌کنیم که از دیدگاه نویسندگان این واژگان در زمره واژگان نوظهور قرار دارند چرا که پس از قرن چهارم هجری به کار رفته‌اند؛ اما در حقیقت این کلمات نوظهور نیستند.

۲,۳. نمونه‌هایی از فرهنگ «المعجم الوسیط»

در جدول زیر نمونه‌هایی از کلمات دو معنا را در فرهنگ لغت «المعجم الوسیط» که یک معنای آن‌ها قدیم و یک معنای آن‌ها جدید است و در عصر کنونی کاربرد دارد، ذکر می‌شود:

جدول شماره (۵): نمونه کلمات دارای دو معنا در فرهنگ «المعجم الوسيط»

معنای جدید	معنای قدیم	کلمه	ریشه
ماله: ابزاری برای گل مالی	جای بازگشت، محل مراجعت، صدف و امثال آن. (المحارة من الأذن) داخل گوش. کناره کپل شتر. چاله کتف که سر استخوان در آن قرار دارد. چاله لگن خاصره که سر استخوان ران در آن قرار دارد. سوراخ بینی	المحارة	ح و ر
باتون رهبر ارکستر که با آن اشاره می‌کند.	عصا و امثال آن که بر آن تکیه می‌دهند. چوبدستی پادشاه و سخنران که در هنگام سخنرانی آن را تکان می‌دهد و با آن اشاره می‌کند.	المِخْصِرَة	خ ص ر
پادری: قالیچه جلو در برای پاک کردن کفش	بینی. پدال	الدَّوَّاسَة	د و س
بلیط قطار و امثال آن	چیزی که باعث یادآوری مطلب می‌شود و آنچه باعث تذکر و پند و می‌شود. خداوند می‌فرماید (كَلَّمَا أَنهَا تَذَكْرَةٌ * فَمَنْ شَاءَ ذَكْرَةٌ)	التَّذَكْرَة	ذ ک ر
پروانه کار. جواز شغل مثل پروانه آشپزی یا گواهینامه رانندگی	آسان گرفتن. آسان کردن (در شرع): تغییر حکم شرعی و آسان شدن آن مثل نماز مسافر که شکسته می‌شود. نوبن آبیاری و یا آب دادن به حیوان.	الرُّخْصَة	ر خ ص
رساله دکتر. پایان نامه	آنچه فرستاده می‌شود. سخن یا نامه	الرِّسَالَة	ر س ل
پیاده‌رو خیابان یا سقفی که پیاده‌رو را می‌پوشاند	محکم و سخت و استوار. کار محکم و استوار. (هو رَصِيف فلان): او از کارهای فلانی تقلید می‌کند و با او انس دارد و از او جدا نمی‌شود. (رجلٌ رَصِيف): پاسخ محکم و دندان شکن. تیری که محل سوار شدن پیکانش را با عصب بسته‌اند. چیز مرتب شده و به هم فشرده.	الرَّصِيف	ر ص ف
همشهری. هم وطن	مهربان. نرم خو. هم صحبت. جفت. شوهر	الرَّفِيق	ر ف ق
سانسورچی: مأمور کنترل کننده کتاب‌ها و نشریات و مأمور سانسور کردن آنها	از اسم‌های خداوند متعال است و او حافظ همه چیز است و هیچ چیز بر او پوشیده نمی‌ماند. کسی که مسؤول کاری است. نگهبان. محافظ. نگهدارنده. حفظ کننده	الرَّقِيب	ر ق ب
سرگرد ارتش یا سرگرد پلیس.	کسی که جلو قبیله حرکت می‌کند و برای آنان به جست‌وجو آب و چراگاه می‌پردازد.	الرَّائِد	ر و د
سرود ملی	یکی از نام‌های خداوند تعالی. تسلیم شدن. تهنیت. درود. سلام. سالم بودن از عیب. صلح و آشتی	السَّلَام	س ل م
اتومبیل. خودرو	کاروان. قافله. خداوند می‌فرماید: (وَجَاءَت سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ)	السَّيَّارَة	س ی ر
سنجاق سینه	انواع گیره یا سنجاق	المِشْبِك	ش ب ک
کسی که حرفه‌اش سوهان زدن و تراشکاری است	بسیار سرد شونده. شمشیر خیلی کند	البرَّاد	ب ر د

ب ه و	البهؤ	هر چیز وسیع و گشاد و پهناور	اتاق جلو خانه. سالن پذیرایی
ج ر ر	الجرار	سبوساز. بستوساز. لشگر خیلی زیاد	تراکتور
ض ی ف	المُضیف	مهماندار. مهمان دوست. کسی که مهمان دعوت می کند.	مهماندار هواپیما. گارسن رستوران
ط ب ق	الطابق	برابر مطابق. ظرفی برای پختن غذا	طبقه خانه
ص ل ح	المُصلِحَة	راست و مستقیم. سالم و بی عیب	شعبه‌ای از اداره که بخشی از کارها یا خدمات را بر عهده دارد
ش و ک	الشوكة	یک خار. نیش عقرب. اسلحه. قدرت و نیرو توان. توان رزمی. خداوند می فرماید: (وَتَوَدُّونَ أَنْ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَهٖ تَكُونَ لَكُمْ)	چنگال غذا خوری

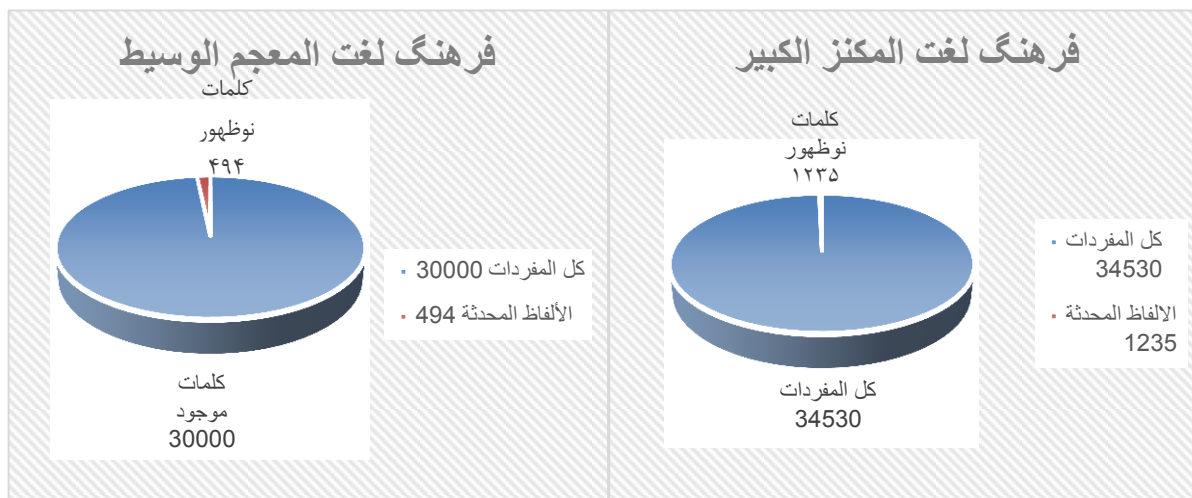
در جدول زیر کلماتی را از فرهنگ «المعجم الوسیط» ذکر شده که فقط در عصر کنونی کاربرد دارند و معنای قدیمی ندارند:

جدول شماره (۶): نمونه کلمات نوظهور در فرهنگ «المعجم الوسیط»

ریشه	کلمه	معنا جدید
ب د ل	البدال	پدال ماشین. پدال پیانو برای تنظیم صدای آن
أ ذ ن	إذن البرید	حواله پستی
خ ر س	الخرسانة	بتن. بتن آرمه
ر ج ع	الرجعیة	واپسگرایی. ارتجاع
ر ص ص	قلم الرصاص	مداد
ر ض ع	المیرضة	شیشه شیر کودک
ز ح ف	الزحافة	ماله کشاورزی
ز ل ق	المزلقان	تقاطع راه آهن
ش ب ک	الشبكة	هدیه داماد به نامزد خود برای اعلام نامزدی
ش ر ح	المشرحه	میز تشریح. میز کالبد شکافی
س م ع	السَّماعَة	گوشی پزشکی
س ک ر	السُّكریة	شکرپاش
ص م ل	الصَّمولة	مهره پیچ
ص د ر	الصادرات	صادرات: خارج کردن کالا از کشور به منظور تجارت
ط ی ر	الطائرة	هواپیما
ع د د	المعداد	ماشین حساب
ع ل ن	الإعلان	آگهی در روزنامه. رادیو. تلوزیون
غ و ص	العواصه	زیردریایی
ل ب س	اللباسة	پاشنه کش
ه ر ب	المهرّب	قاچاقچی

۳،۳. مقایسه دو فرهنگ لغت «المکنز الكبير» و «المعجم الوسيط»

نمودار (۱): کلمات فرهنگ «المکنز الكبير» نمودار (۲): کلمات فرهنگ «المعجم الوسيط»



در جدول‌های بالا به‌عنوان نمونه، ۸۰ واژه ذکر شد که ۴۰ نمونه از فرهنگ «المکنز الكبير» بود که خود به دو بخش تقسیم شد: الف: ۲۰ نمونه از کلماتی که نوظهور حقیقی بودند و فقط در عصر کنونی کاربرد داشتند. ب: ۲۰ نمونه از کلماتی که کاربرد آن‌ها پس از قرن چهارم هجری بود و چه‌بسا می‌توانیم آن کلمات را در اشعار شاعران قدیم بیابیم و در واقع نوظهور حقیقی نبودند. همچنین ۴۰ نمونه از فرهنگ لغت «المعجم الوسيط» ذکر شده که واژگان آن فرهنگ لغت نیز به دو بخش تقسیم شد: الف: ۲۰ نمونه از کلماتی که دو معنایی بودند و معنای دوم آن‌ها در عصر کنونی و در قرن بیستم کاربرد دارد. ب: ۲۰ نمونه از کلماتی که هیچ معنای قدیمی ندارند و فقط در عصر حاضر به کاررفته‌اند و نوظهور حقیقی هستند.

همان‌طور که در نمودارهای بالا مشخص است، تعداد کلمات نوظهور در فرهنگ لغت «المکنز الكبير» ۱۲۳۵ کلمه و به نسبت ۳/۵۶۷٪ است. آن‌ها کلمات تولید شده (مولد) و نوظهور هستند که بعد از پایان عصر «استشهاد» یعنی قرن چهارم هجری وارد زبان عربی شدند {طبق تشخیص فرهنگ لغت «المکنز الكبير»} و تعداد کلمات نوظهور در فرهنگ لغت «المعجم الوسيط» ۴۹۴ کلمه و به نسبت ۱/۶۴٪ است. همان‌طور که در مقدمه این فرهنگ لغت بیان شد، فرهنگ «المعجم الوسيط» کلمات جاهلی و صدر اسلام را با کلمات قرن بیستم کنار یکدیگر قرار داده است. پس صحیح آن است که بگوییم بخش بزرگی از این فرهنگ لغت تقلیدی است. همچنین می‌توانیم اذعان کنیم که واژگان نوظهور در فرهنگ «المعجم الوسيط» جدیدتر از واژگان فرهنگ «المکنز الكبير» است، چراکه قرن چهارم هجری را ملاک برای تشخیص واژگان نوظهور قرار نداده است بلکه تنها واژگانی را که در عصر کنونی تولید شده بودند را نوظهور به شمار آورده است.

جدول شماره (۷): مقایسه کلمات نوظهور دو فرهنگ لغت

المعجم الوسيط	المکنز الكبير
این فرهنگ لغت بر پایه حروف الفبائی بر اساس ریشه کلمات است.	فرهنگ لغتی موضوعی برای مترادفات و متضادات است.
تعداد کلمات نوظهور در این فرهنگ لغت به نسبت ۱/۶۴٪ است؛ زیرا تنها کلماتی را که در عصر کنونی تولید شده و کاربرد دارند، جزو کلمات نوظهور آورده است.	تعداد کلمات نوظهور در این فرهنگ لغت به نسبت ۳/۵۶۷٪ است. چراکه تمام کلمات به کار برده شده پس از قرن چهارم هجری را جزو کلمات نوظهور به‌شمار آورده است.
معانی قدیم و جدید هر واژه را به‌طور کامل شرح داده است.	فقط معانی جدید کلمات نوظهور را ذکر کرده و اشاره‌ای به معانی قدیم آن‌ها نکرده است، اما مترادفات و شرح کوتاهی از کلمات را نیز گفته است.
کلمات تولید شده (مولد) و عربی شده و نوظهور و وارد شده از زبان‌های دیگر را با علامت‌های مخصوص مشخص کرده است.	کلمات تولید شده (مولد) و نوظهور را در یک مجموعه قرار داده و کلمات وارد شده از زبان‌های دیگر (دخیل) و کلمات عربی شده (معرب) را مشخص نکرده است.

۵. نتیجه‌گیری

تعداد کلمات نوظهور در فرهنگ «المکنز الكبير» ۱۲۳۵ کلمه و به نسبت ۳/۵۷٪ است. در فرهنگ «المعجم الوسيط» ۴۹۴ کلمه و به نسبت ۱/۶۴٪ است. می‌بینیم که تعداد کلمات نوظهور در فرهنگ لغت «المکنز الكبير» به نسبت فرهنگ «المعجم الوسيط» بیشتر است و این بدان سبب است که فرهنگ لغت «المکنز الكبير» تمام کلماتی که پس از قرن چهارم هجری کاربرد داشتند را در زمره کلمات نوظهور آورده است. این دو فرهنگ لغت تعدادی از کلمات را جزو الفاظ نوظهور آورده‌اند که قبل از عصر کنونی نیز کاربرد داشته است. از جمله آن‌ها: البدال: به معنای بخر بفروش که تا مالش را نفروشد نمی‌تواند چیزی بخرد و آنگاه که فروخت مانند آن را می‌تواند بخرد. خواروبارفروش. در زبان عامیانه مصری به آن البقال نیز می‌گویند. پس کلمه بدال نوظهور نیست و با همین معنا نیز در فرهنگ لغت‌های قدیم عربی مانند «تهذیب اللغة» هم آمده است. در فرهنگ «المعجم الوسيط» با وجود آنکه مؤلف در مقدمه کتاب خاطر نشان کرده است که در این فرهنگ کلمات زائد و کم‌استعمال و غیر رایج در عصر کنونی را نیاورده است، بسیاری از این کلمات را در فرهنگ «المعجم الوسيط» مشاهده می‌کنیم و همان‌طور که انتظار می‌رفت باید این فرهنگ لغت از چنین کلماتی عاری باشد. از جمله آن‌ها: «تبرقط»، «انبعق»، «البلم»، «الجعثن»، «الدرابس»، «السبيط»، «تطحطح»، «أعلوط»، «الإعيط»، «العلطه»، «العلبط»، «العنظاب»، «القحاريه»، «الهرجول»، «الهرشفه»، «الهقلس» و غیره؛ و این فرهنگ لغت در ذکر برخی از کلمات رایج عصر کنونی غفلت ورزیده که دانشجوی غیر عرب زبان به آن‌ها در مسیر زبانی و آموزشی خود نیاز دارد؛ مانند: «الاختزال»، «المؤتمر»، «المناوشات»، «الندوة»، «الأمسية»، «المؤامرة»، «التأميم»، «المحاضرة»، «الاغتيال» و... البته باید خاطر نشان کرد که برخی از این کلمات در شرح کلمات دیگری ذکر شده‌اند؛ مثل «الندوة» در شرح کلمه «الانتخاب». همچنین مشاهده می‌شود که فرهنگ لغت «المعجم الوسيط» تعدادی کلمات غیرعربی زائد و کم‌کاربرد در عصر کنونی را آورده است؛ مانند: «الجائليق»، «الجلفاط»، «الجلفق»، «الجلماق»، «جلنيق» و... در مقابل اصطلاحاتی را ذکر کرده است که در عصر کنونی و معاصر کاربرد دارند؛ مانند: «جیولوجیا». برخلاف آنچه در مقدمه این دو فرهنگ لغت آورده شده، مبنی بر آنکه آن‌ها خالی از حشویات و زوائد هستند، اما این حشویات و زوائد مشاهده می‌شود که نتایج سلبی نیز دربردارد، چراکه دانشجویان بر این باورند که هر آنچه در فرهنگ لغت‌های «المکنز الكبير» و «المعجم الوسيط» آمده، فصیح و متداول است و انتظار می‌رود که دو معجم «المکنز الكبير» و «المعجم الوسيط» به عنوان دو فرهنگ لغت معاصر دربرگیرنده واژگان نوظهور زندگی مدرن باشند و نیازهای افراد غیرعرب را نیز برطرف کنند. همچنین شامل مصطلحات و تعابیر جدیدی باشند که آن را از زبان ادبیات و رسانه از آن استفاده می‌شود. البته باید خاطر نشان کرد که اسلوب‌ها و ترکیب‌های عربی معاصر و نیز کلمات غیرعربی نادیده گرفته شده‌اند؛ مانند: «بلشف»، «تلفن»، «فبرک»، «نقرس»، «برمجه» و... همچنین شاهد نادیده گرفتن ترکیب‌های به وجود آمده از پیوستگی دو اسم در تعبیر هستیم؛ مانند: «صاروخ أرض جو» یا «صاروخ جو أرض» و وارد کردن «ال» بر حروف نفی متصل به اسم در زبان علم؛ مانند: «اللاهوائی» و همچنین اضافه کردن «لا» مرکب با اسم مفرد؛ مانند: «لا أخلاقی، لا معقول، لا شعوری». بدون شک پژوهشگر غیر عرب در سفر علمی خود در دنیای زبان با این گونه اسالیب و ترکیب‌های تعبیری جدید مواجه می‌شود و نیاز مبرمی به یک ابزاری کاربردی در پاسخگویی به نیازهایش احساس می‌کند که فرهنگ لغت از مهم‌ترین و ارزشمندترین وسایل و بهترین یاور او در پاسخگویی به نیازهایش در زمره کلمات و الفاظ خواهد بود.

فهرست منابع

الف. کتابها

- الخولي، محمدعلي، (١٩٨٢)، **معجم علم اللغة النظرى**، بيروت، لبنان، مكتبة لبنان.
 عمر، أحمد مختار، (٢٠٠٠)، **معجم شامل للمجالات و المترادفات و المتضادات**، مكتبة سطو.
 عمر، أحمد مختار، (٢٠٠٣)، **البحث اللغوى عند العرب**، القاهرة، عالم الكتب.
 عبدالتواب، رمضان، (١٩٩٩)، **فصول فى فقه اللغة**، القاهرة، مكتبة الخانجي.
 مصطفى، ابراهيم و ديكران، (١٩٨٩)، **المعجم الوسيط**، استانبول، تركية، دارالدعوة.
 يعقوب، أميل، (١٩٨٥)، **المعاجم اللغوية العربية بداءتها و تطورها**، بيروت، لبنان، دارالعلم للملايين.

ب. بايان نامه ها و رساله ها

- لشهب، حياة، (٢٠١١)، **المعجم العربى الحديث بين التقليد و التجديد المعجم الوسيط نموذجاً**، بايان نامه
 كارشناسى ارشد با راهنمايى صلاح الدين زرال، جامعه فرحات عباسى، سطيف-الجزائر.
 الزهرة عطاف، فاطمة، (٢٠١٣)، **الألفاظ المحدثه فى العربية المعاصرة دراسة دلالية فى مختارات شعرية
 (عيسى لحيلج)**، بايان نامه كارشناسى ارشد با راهنمايى زينب مزارى، جامعه محمد خيضر بسكرة.

ج. مقاله ها

- ابن الرسول، سيد محمدرضا و سميّة كاظمى نجف آبادى، (٢٠١٣)، **دراسة إشكالية لكفائة المعاجم العربية لغير
 الناطقين بها (المعجم الوسيط نموذجاً)**، مجلة دراسات فى العلوم الإنسانية، شماره ١، صص ٩٧-٧٧.
 برباق، ربيعة، (٢٠١٧)، **أثر اللسانيات الحديثة فى صناعة المعجم الوسيط**، مجلة الذاكرة، شماره ٨، صص ١٧٥-
 ١٥٧.
 الجورى، محمد صالح ياسين، (٢٠١٩)، **الألفاظ المحدثه فى المعجم العربى الأساسى**، مجلة الميادين للدراسات
 فى العلوم الإنسانية، شماره ٣، صص ٢٩٦-٢٥٥.
 حمزة، حسن، (٢٠١٥)، **الحدائث فى مقدمات المعاجم العربية الحديثة**، مجلة الدراسات المعجمية-الجمعية المغربية
 للدراسات المعجمية-المغرب، شماره ١١، صص ١٧٩-١٤٧.
 السديرى، البندرى بنت خالد، (٢٠١٦)، **إشارات التطور الدلالى فى المعاجم العربية**، مجلة جامعه أم القرى لعلوم
 اللغات و آدابها، شماره ١٧، صص ٩٥-١١.
 سيد رياض سيد مرسى، ياسر، (٢٠١٨)، **اللهجة المصرية مجالاتها الدلالية فى المعجم الوسيط**، مجلة جامعه الأزهر
 حول كلية اللغة العربية بنين بجرجا، شماره ٢٢، جزء ٦، صص ٥٠٦٩١-٤٩٢٩.
 الصراف، على محمود، (٢٠١٣)، **أصول المعجم العربى**، المجلة الأردنية فى اللغة العربية و آدابها، جلد ٩، شماره ٤،
 صص ١٩٠-١٥٩.

عبدالله، مرادحمید، (۲۰۱۲)، **تطور الدلالة المفردات المحدثه في النص اللغوي، مجلة الخليج العربي،** مجلد ۴۰، شماره ۱-۲، صص ۲۸-

۱. عمر، أحمد مختار، (۱۴۲۴ هـ ق)، **نظرة في معجمين حديثين للمتراكبات المكنز العربي المعاصر و المكنز الكبير، مجلة مجمع اللغة العربية بدمشق،** جلد ۷۸، جزء ۴، شماره ۴، صص ۲۴-۵۵.

مذكور، عمر، (۲۰۱۸)، **المعجم بين آليات الصناعة و وسائط المستخدم، مجلة كلية الآداب جامعة بنى يوسف،** شماره ۴۸، صص ۳۲۴-۳۵۶

New Vocabularies in Modern Arabic dictionaries

(A study on two dictionaries 'Almakenz Alkabir' and 'Almajam Alvasit')

Abstract

Dictionary is considered as an identity for any nation, an instrument for development of language and a means for expressing the speakers' needs. And such needs are continuously modernized; and today, Arab world witnesses' significant events; and along with these events, Arabic language is experiencing a change and is able to express such needs in any form. If modernism didn't happen in various scientific fields, the language would be abandoned and destroyed and we were obliged to deal with such development and influential factors so that no one could be able to accuse Arabic language of solidness and inflexibility. As dictionary is one of the most important means for second language teaching, this study attempts to conduct a comparison between novel terms in 'Almakenz Alkabir' (Ahmad Mokhtar, 2000 edition) and 'Almajam Alvasit' (published by Cairo Arabic Language Academy in 1960 – it enjoys a special status in cultural and scientific streams in Iran) dictionaries based on a descriptive-analytic method. The findings demonstrate that there are 1235 novel terms amounting to 3/57 in 'Almakenz Alkabir' dictionary and there are 459 novel terms amounting to 1/64 in 'Almajam Alvasit'; and the number of novel terms in Almakenz Alkabir is more than that in Almajam Alvasit because this dictionary considered any terms used after 4th Hijrah century as a novel term.

Keywords: New vocabularies; modern Arabic dictionaries; Almakenz Alkabir; Almajam Alvasit